
آسیب شناسی سبک زندگی اسلامی بر اساس آموزه های قرآن ورویات با محوریت بیانیه گام دوم

محمد سحرخوان^۱

چکیده

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم در موضوع سبک زندگی، نمایانگر آن است که ایشان بسیار به «وضع اجتماعی» و «مناسبات و احوالات مردم در لایه اجتماعی» نظر دارند و دغدغه‌ها و ملاحظه‌هایشان محدود به مسائل سیاسی نیست. موضوع این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته است «آسیب شناسی سبک زندگی اسلامی بر اساس آموزه های قرآن با محوریت بیانیه گام دوم» است. زیرا تنها معرفی سبک زندگی اسلامی کافی نیست بلکه لازم است که به طور شفاف مطرح شود که چه اموری از سبک زندگی اسلامی نیست و آسیب های سبک زندگی چیست؟ از جمله آسیب های بدست آمده در این پژوهش در زمینه های فرهنگی: تقلید از بیگانه، قانون گریزی و زمینه های قانون گریزی، خرافه گرایی؛ در زمینه های اخلاقی: تملق و چاپلوسی، دروغ گویی؛ در زمینه های رفتاری: رفاه طلبی، پیمان شکنی، خیانت و بی تفاوتی نسبت به مسائل جامعه؛ در موضوعات اقتصادی: کسب در آمد حرام، رشوه خواری، رباخواری و تنبلی

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی m.saharkhan@isca.ac.ir

وسستی؛ در موضوعات جنسی است: تبعیت از تمایلات جنسی، آزادی های جنسی و اباحی گری است. برخی از راهکارها مانند: خدا باوری، معاد باوری، نماز و تقوای الهی برای پیشگیری از آسیب های سبک زندگی و مقابله با سبک زندگی غربی مطرح شده است. کلید واژگان: سبک زندگی، بیانیه گام دوم، آسیب شناسی سبک زندگی، راهکارهای اصلاح سبک زندگی

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در میان هزاران نفر از دانشجویان، دانش آموزان و دیگر جوانان خراسان شمالی، «سبک زندگی» را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی خواندند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای «پرداختن به این مفهوم مهم و آسیب شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره جویی در این زمینه» تأکید کردند: پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بُعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می دهد وسیله ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی.

رهبر انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیطهای مختلف، اشاره کردند و افزودند: در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می گردد که متن زندگی انسان را شکل می دهند.

رهبر انقلاب اسلامی، آسیب شناسی و علت یابی در زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری خواندند و با دعوت از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاههای مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان خاطرنشان کردند: در این زمینه باید همه ضمن تلاش جدی برای آسیب شناسی، به چاره جویی و جستجوی راههای علاج بپردازیم.

برای پیشگیری از انحراف در سبک زندگی، تنها معرفی سبک زندگی اسلامی کافی نیست؛ بلکه لازم است به طور شفاف آسیب های سبک زندگی اسلامی تبیین شود تا خلطی صورت نگیرد. در احادیث، به آموزه های فراوانی برمی خوریم که به صراحت آسیب زدایی می کند و بیان می دارد که چه باورها و عواطف و عملکردهایی که نه تنها سبک زندگی نیستند بلکه به زندگی فرد نیز آسیب وارد می سازند.

در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل

پیدایش و زمینه ساز می تواند مؤثر باشد: مانند عوامل فردی، عوامل محیطی، عوامل اجتماعی.

در قلمرو سبک زندگی اسلامی، باورهای ناشی از عدم شناخت و یا به کار نگرفتن عقل و تقلید کورکورانه از اندیشه ها و عقاید کفرآمیز دیگران و رفتارهایی مانند: رشوه و ربا خواری، دروغ گویی و تجاوز به حقوق دیگران با اساس سبک زندگی اسلامی منافات دارد؛ لذا شناخت آسیب ها در سبک زندگی اسلامی و تمییز آن از آنچه که سبک زندگی نیست، می تواند در کاربرد سبک زندگی اسلامی مؤثر باشد.

ما در این مقاله در صدد آسیب شناسی سبک زندگی بر اساس آموزه های قرآن می باشیم تا از انحرافات در سبک زندگی اسلامی جلوگیری شود و سبک زندگی اسلامی در جامعه پیاده شود.

مفهوم شناسی

«آسیب»

«آسیب» به معنای «آفت، بیماری، اختلال و خطر» آمده است. در فرهنگ فارسی چنین معنا شده است: «آسیب: زخم، عیب و نقص، درد، رنج، گزند، آزار، زیان، خسارت (معین: ۱۳۷۵، ۵۸ / ۱). آسیب شناسی به معنای شناخت درد و رنج و خسارت» (عمید: ۱۳۶۳، ۴۴/۱).

آسیب در اصطلاح به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده ای را تهدید می کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می دارد و یا از کارایی لازم می اندازد.

آسیب شناسی در اصطلاح شناخت دردها، کاستی ها، مصیبت ها و آفت های فکری، جنسی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی است که روح و روان و محیط جامعه را فرا گرفته است، و نیز راه یافتن به ریشه ها و عوامل متنوع آنهاست.

«سبک زندگی»

«سبک زندگی عبارت است از الگوی هم‌گرا یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه) اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. یا به اختصار، سبک زندگی: الگو یا مجموعه نظام مند کنش‌های مرجح است «مهدوی کنی، ۷۸» در تعریفی دیگر گفته شده است: «سبک زندگی، عبارت است از الگوی زندگی فردی که در فعالیت‌ها، دلبستگی‌ها و افکار شخصی، خود را نشان می‌دهد»

برخی دیگر گفته‌اند «سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد» (شریفی، همیشه بهار، ص ۱۴۶) این تعریف به گونه‌ای هویت فرد را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارد. وی در جای دیگری منظور از سبک زندگی را چنین بیان می‌کند: «مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی که یک فرد به منظور تامین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می‌گیرد. شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معترف شخصیت آن فرد است (همان) مؤلف کتاب «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن» می‌گوید: «سبک زندگی شیوه‌ای است نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند. (کاوایی: سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ۱۶).

در این مقاله به آسیب‌های سبک زندگی اسلامی پرداخته می‌شود. محورهای مباحث این مقاله عبارت است: ۱. زمینه‌های فرهنگی ۲. زمینه‌های اخلاقی ۳. زمینه‌های رفتاری ۴. زمینه‌های اقتصادی ۵. زمینه‌های نفسانی و جنسی و در پایان مقاله به برخی راهکارهای پیشگیری از آسیب‌ها پرداخته شده است.

۱. زمینه‌های فرهنگی

۱.۱. تقلید از بیگانه

در قرآن کریم از تقلید ناپسند با تعبیرهای مختلفی یاد شده است؛ مانند اقتدا و پیروی از

نیاکان (زخرف: ۲۳)؛ پیروی ضعیفان از مستکبران (ابراهیم: ۲۱)؛ پیروی از رؤسا و بزرگان گمراه (احزاب: ۶۷) این آیات ضمن اشاره به تقلید اقوام پیشین و اعراب عصر جاهلی از نیاکانشان در عقاید، سنن و آداب خود و نکوهش این تقلید، آنان را به ترك روش باطل خود و پذیرش آیین حق فراخوانده اند. درآموزه های اهل بیت علیهم السلام نیز از تقلید کورکورانه نکوهش شده است. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خویش توصیه می کنند که «إِمَّعَه» مباحش و آن گاه توضیح می دهد که «إِمَّعَه» بودن، آن است که بگویی: «من با مردمم و پیرو آنانم و من همانند یکی از مردمم. (هرچه دیگران گفتند، من هم می گویم و هرچه کردند من هم می کنم)» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ۲۶۶). کمیل بن زیاد می گوید: امام علی علیه السلام دست مرا گرفت و با خود به صحرا برد و در آن جا با آه و اندوه فرمود: «مردم سه دسته اند: عالم ربانی، آموزنده ای که در راه رستگاری کوشاست و فرومایگانی بی هویت که پی هر بانگی را گیرند و با هر باد به سویی خیزند. نه از روشنی دانش فروغی یافتند و نه به سوی پناه گاهی استوار شتافتند» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۴۹۵).

۲.۱. قانون گریزی

یکی از آسیب های سبک زندگی اسلامی عدم رعایت قانون توسط برخی افراد جامعه است، که لازمه آن وقوع جرم، جنایات و ناهنجاری های اجتماعی می باشد. جامعه اسلامی، آن جامعه ای است که افراد آن قانونگرا و قانونمند و همه خود را ملزم به رعایت قانون و دوری از قانونگریزی می دانند.

قانون گرایی یکی از ضروریات و نیازهای یک جامعه است که، رعایت قانون و مقررات در تمامی زمینه های مختلف جامعه، منجر به ایجاد نظم و انضباط و دوری از هرج و مرج و کشمکش در تمامی ارکان آن جامعه می شود.

خداوند در آیه ۲۵ حدید در باره قانون گرایی و لزوم رعایت قانون، ایجاد نظم و دوری از قانون گریزی و بی نظمی را به بندگان می فرماید: «ما پیامبران خود را با دلایل روشن و آگاهی بخش فرستادیم و همراه ایشان کتاب، مجموعه اوامر و نواهی خود و میزان معیارهای داوری و

قضاوت فرستادیم تا در میان مردم عدالت اجتماعی برقرار شود و برای ایجاد انضباط و تنبیه متخلفان آهن را فرستادیم که در آن سختی و شدت فراوانی است».

علل وزمینه های قانون گریزی

الف) پیروی از تمایلات نفسانی

بسیاری از قانون‌گریزی‌های انسان ناشی از تبعیت هوای نفس می باشد. خداوند در قرآن کریم انسان‌ها را از پیروی کردن هوای نفس نهی کرده است، این نهی اختصاص به انسان‌های عادی ندارد، بلکه پیامبران نیز از پیروی هوای نفس نهی شده‌اند؛ چنان‌که خداوند متعال خطر پیروی از هوای نفس را به پیامبر یادآور شده، می‌فرماید: «میان مردم بر اساس آنچه خداوند فرستاده است، داوری کن و از هواهای نفسانی پیروی مکن» (مائده: ۴۹).

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره، می‌فرمایند: «من بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی از هوای نفس و آرزوهای دور و دراز. پیروی هوای نفس انسان را از راه حق بازمی‌دارد، و آرزوهای دراز آخرت را از یاد انسان می‌برد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۳۳۶).

ب) حرص و طمع برای کسب ثروت

یکی از زمینه‌های قانون‌گریزی حرص و طمع برای بدست آوردن خواسته خود است. دل باختگی و دل‌دادگی در برابر زرق و برق دنیا انسان را به سوی حرص و ولع نسبت به مواهب مادی می‌کشاند و روز به روز انسان را در این لجن‌زار آلوده‌تر می‌سازد. از این رو در آیات و روایات، به شدت از این نوع حرص نکوهش شده و آثار زیان‌بار آن در ابعاد گوناگون برای انسان تبیین گردیده، تا جایی که از آن به عنوان منشأ و سرآغاز بدی‌ها و بیماری‌های روانی، معنوی و اجتماعی یاد شده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۲/۱۰۱)

ج) تعصب نسبت به آشنایان

گاهی ریشه قانون‌شکنی‌ها در تعلق و دل‌بستگی افراطی به خویشان و دوستان است. از این رو اسلام از هرگونه وابستگی افراطی به خویشاوندان نهی می‌کند تا مانع از هلاکت انسان و انحراف او بشود. قرآن کریم در آیات متعددی درباره‌ی علاقه‌مفرط به فرزندان به مؤمنان هشدار

داده است؛ از جمله می فرماید: «و بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است، و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند) پاداش عظیمی نزد خداست» (انفال: ۲۸)

(د) جهل و غفلت

یکی از مهم ترین زمینه های قانون گریزی، جهل و نادانی است که ریشه بسیاری از ناهنجاری ها و انحراف ها می باشد. این آفات و تبعات منفی به قدری عظیم است که اولیا و انبیای الهی از خوف آن به درگاه ربوبی استعاذه می کردند. حضرت موسی در مقام التجا به درگاه خداوند متعال عرضه می دارد: «به خدا پناه می برم از اینکه از جاهلان باشم» (بقره: ۶۷).

برخی از افراد به خاطر عدم آگاهی، احساس می کنند که وجود قوانین، آزادی آنها را محدود کرده، ابتکار عمل را از آنها می گیرد، و یا ممکن است با نیت خیر و برای کمک به کسی و راه انداختن کار کسی از روی دل سوزی، قانون را دور بزنند و کار دیگری را راه بیندازند.

۳.۱. خرافه گرایی

یکی دیگر از آسیب های سبک زندگی اسلامی که زمینه رفتارهای انحرافی را فراهم می سازد، خرافه گرایی است که رنگ دین به خود می گیرد. شناخت زمینه های این گونه خرافه ها و درمان به موقع آن و نیز اصلاح نگاه ها در جامعه اسلامی، به منظور رهانیدن مسلمانان از خطرها و آسیب های آن، از اهمیت زیادی برخوردار است.

اسلام از ابتدای ظهور با تمام قدرت با خرافه پرستی به مبارزه برخاست و درصدد برآمد تا فکر بشر را از آلودگی ها و اوهام پاک و در جهت تعقل گرایی و حکمت و منطق هدایت کند (اعراف: ۱۵۷).

۲. زمینه های اخلاقی

۱.۲. تملق و چاپلوسی

تملق و چاپلوسی از رذائل اخلاقی است که نقش مهمی در آسیب پذیری فرد و جامعه دارد. از مهم ترین آفات و عوامل عقب ماندگی جوامع، رواج روحیه ی تملق و چاپلوسی بین افراد

جامعه است. از این رو ایجاد محیط نقادی و انتقادپذیری از ضروریات جامعه دینی و از راه های مقابله با این آفت است. زیرا زمینه ای فراهم می آورد که عیوب مطرح شده و ضعفها جبران شود و از گرایش به استبداد و خودکامگی جلوگیری شود.

امام علی علیه السلام در تعریف چاپلوسی می فرماید: «مدح و تعریف بیش از استحقاق و شایستگی تملق است و کمتر از استحقاق یا ناتوانی در بیان است یا حسد» (طوسی، ۱۴۱۴، ۶۸۰)

چاپلوسی از عامل های بازدارنده کرامت و حیثیت انسان به شمار می رود. با چاپلوسی و چرب زبانی، انجام کارهای نیک و می ماند و رهبر یا زمامدار و مدیر جامعه را خودکامه و مغرور، و حق گویی و حق پویی را دشوار می سازد. چاپلوسی از خوی و منش های ایمان نیست؛ علی علیه السلام می فرماید: «دوری کن از تملق کردن؛ پس به درستی که تملق نیست از خوی های ایمان؛ یعنی صاحب ایمان.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۱۵) و پیامبران نیز هرگز چاپلوس و چرب زبان نبوده اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۱۵) به همین سبب باید از آن دوری جست.

۲.۲.۲. دروغ گویی

یکی از آسیب های سبک زندگی اسلامی، رواج دروغگوئی در میان افراد جامعه است. برخی ها به بهانه های مختلفی دروغ گفته و آن را به راحتی توجیه می کنند. به گونه ای توجه ندارند که دروغ یکی از گناهان کبیره می باشد و در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام از آن به شدت نهی شده است.

دروغ با ایمان ناسازگار است موجب ضعف و نابودی ایمان می شود. حسن بن محبوب می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم آیا ممکن است مومن بخیل باشد؟ فرمود: بله. آیا ممکن است ترسو باشد؟ فرمود بله. آیا ممکن است دروغگو باشد؟ فرمود: نه، مومن دارای هر سرشتی می شود، جز دروغ و خیانت (مفید، ۱۴۱۳، ۲۳۱). یکی از آثار مهم دروغ گویی در جامعه کم رنگ شدن روح مروت و جوانمردی در انسان می شود پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

«جوانمردی در شخص دروغگو از همه کمتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۹/۲۵۹).

زمانی که دروغ، عادت انسان شود، چه بسا جوانمردی، از وجود انسان رخت بر بندد؛ چنان که علی علیه السلام می فرماید: «هرکس دروغ گوید، جوانمردی خویش را تباه سازد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۲۱). مروت و جوانمردی، جز با راستی و درستی سازگار نیست، و با ناراستی و دروغ جمع نمی شود گریزان است. از این رو حضرت علی علیه السلام می فرماید: «دروغ و جوانمردی جمع نمی شوند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۲۱). دروغ افزون بر آثار سوء اخلاقی که برای خود انسان دارد بنیان و شالوده جامعه را نیز ویران می کند و آثار زیانباری از جهت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به دنبال دارد.

از مهم ترین آثار دروغگویی در حوزه اجتماعی، سلب اعتماد عمومی است. افزایش دروغ در میان افراد جامعه، هرگونه قضاوت و داوری درستی را سلب می کند و اشخاص در تعامل با یک دیگر نمی توانند به گفتارهای یک دیگر در هیچ حوزه ای اعتماد کنند. همچنین موجب از بین رفتن اعتبار و آبرو و نابود کنند ارزش اجتماعی انسان می شود. علی علیه السلام می فرماید: «دروغگو و مرده یکسان هستند؛ زیرا همانا برتری زنده بر مرده، در اطمینان مردم به او است؛ پس وقتی مردم به سخن دروغگو اعتماد نکنند، زنده بودنش باطل است»

۳. زمینه های رفتاری

۳.۱. رفاه طلبی

آموزه های اسلامی به بهره مندی از رفاه به صورت متعادل و متناسب با شرایط زمان و مکان سفارش کرده است. رهبران الهی نیز استفاده از نعمت های الهی را سفارش کرده اند، اما میزان و حد بکارگیری از این نعمت ها حائز اهمیت است؛ چرا که اسلام مسلمانان را از افراط و تفریط در هر زمینه ای نهی کرده است؛ پیمودن راه افراط و تفریط در زندگی به معنای خروج از حد اعتدال است که در زندگی فردی و اجتماعی امروزی به وجود آمده است و به نام رفاه زدگی و به دنبالش تجمل گرایی که آثار و نتایجی منفی به دنبال دارد.

در قرآن اتراف، مترادف رفاه‌زدگی و مترف به معنای ثروتمند و کسی که به او نعمت زیاد داده شده می‌باشد. رفاه طلبی آثاری دارد که به برخی آنها اشاره می‌شود: یکی از مهمترین آثار رفاه خود بزرگ‌بینی است. در قرآن مترفان به انسان‌های متکبر تعبیر شده‌اند. خداوند در سوره فجر می‌فرماید: «اما انسان هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرمی بدارد او را و نعمتش ببخشد، می‌گوید: پروردگارم چون شایسته و سزاوار بودم مرا گرمی داشت و اما چون او را بیازماید، پس روزی‌اش را بر او تنگ گیرد، گوید: پروردگارم مرا خوار و زبون کرد» (فجر: ۱۵ - ۱۶).

خداوند در آیه ۱۵ تغابن می‌فرماید: «اموال و فرزندانان فقط وسیله‌ی آزمایش‌اند، و خداست که پاداشی بزرگ در نزد اوست» (تغابن: ۱۵) برخی مفسران گفته‌اند: آزمایش بودن اموال و فرزندان به خاطر این است که این دو نعمت دنیوی از زینت‌های جذاب زندگی دنیا است، نفس آدمی به سوی آن دو آن چنان جذب می‌شود که از نظر اهمیت هم پایه آخرت و اطاعت پروردگارش قرار داده، وانسان بر سر دو راهی قرار می‌گیرد، و بلکه جانب آن دو را انتخاب می‌کند، و از آخرت غافل می‌شود. (طباطبایی: ۱۴۱۳، ۷۷/۱۶)

۲.۳. ضیق صدر و کم حوصلگی

اصل بردباری و شکیبایی جایگاه والا و ارزشمندی در اخلاق دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خیر در زیاد شدن مال و فرزند تو نیست، بلکه خیر در آن است که علمت افزونتر و بردباریت بیشتر شود» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۴۸۴).

بردباری و شرح صدر به معنای ظرفیت فکری و روحی است و گسترش ظرفیت فکری و روحی انسان موجب می‌شود که بینش و ظرفیت او برای پذیرش حق تقویت شود. در مقابل صبر و بردباری ضیق صدر و کم حوصلگی است که موجب کم ظرفیتی و تحیر در تصمیم‌گیری و درماندگی در کار و رفتار نادرست با مردم می‌شود. امام علی علیه السلام فرمودند: «کسی که سعه‌ی صدر ندارد و برای ادای حق تاب نمی‌آورد» (کراچکی: ۱۴۱۰، ۲۷۸/۱).

۳.۳. پیمان شکنی

احترام به پیمان و عمل به آن ریشه فطری دارد. هر انسانی وفای به پیمان را از راه فطرت و سرشت انسانی می آموزد و از آن الهام می گیرد. در مقابل وفای به عهد پیمان شکنی است و پیمان شکن آن کسی است که عهد بسته را نگاه ندارد. پیمان شکنی از گناهای است که رشته اطمینان و اعتماد را در جامعه می گسلد و زیربنای روابط اجتماعی را سست می کند و خشم خدای متعال را برمی انگیزد از این رو پیمان شکنی از رحمت الهی به دور است. بر اساس آیه ۷۷ آل عمران، کسانی که پیمان شکنی می کنند، به پنج نوع قهر الهی از جمله بی بهره بودن در آخرت، محرومیت از خطاب الهی، محرومیت از نظر لطف الهی، محرومیت از پاکی از گناه و گرفتاری به عذاب دردناک تهدید می کند.

وفای به عهد و پرهیز از پیمان شکنی از مسائل مهم و اساسی است که در آموزه های الهی مورد توجه قرار گرفته است، زیرا اگر به این مسئله اساسی توجه نشود زندگی مردم متلاشی خواهد شد و در اثر بی نظمی و هرج و مرج مردم از یکدیگر سلب اعتماد خواهند کرد و در نتیجه زیربنای روابط اجتماعی سست می شود. از این رو اسلام آنقدر به وفای به عهد اهمیت می دهد که حتی در مورد دشمن و کسی که از نظر عقیده و مسلک و هدف با انسان توافق ندارد وفای به عهد و پیمان را لازم می شمرد. رسول خدا ﷺ فرمود: نزدیکترین افراد روز قیامت نسبت به من کسانی هستند که در سخن راستگوتر، در ادای امانت کوشاتر و در عهد و پیمان از یکدیگر با وفاتر باشند» (ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴، ۴۶) همچنین ﷺ فرمودند: «کسی که پای بند به پیمان خود نباشد دین ندارد» (پاینده: ۶۷۶) و نیز فرموده اند «آن کس که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده خود وفا کند» (کلینی: ۱۴۰۷، ۲ / ۳۶۴).

۴.۳. خیانت (نقض امانتداری)

خداوند متعال یک سلسله قوانین و مقرراتی را که برای بندگان وضع نموده و به عنوان «امانت» از آنها نام برده و از هرگونه خیانتی نسبت به آن به شدت نهی کرده است و با تعابیر گوناگون خیانت و خائن را مورد نکوهش قرار داده است. «خداوند خیانت کنندگان را

دوست ندارد» (انفال: ۵۸) و در جای دیگر می‌فرماید: «همانا خداوند خیانت‌کنندگان را با مکر و خدعه به مقصود نمی‌رساند» (یوسف: ۵۲).

یکی از مصادیق شایع خیانت، خیانت به مردم در امور مالی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «کسی که خیانت کند امانتی را در دنیا و آن را به اهلش رد نکرده و از دنیا برود، بر غیر ملت من مُرده و خداوند را غضبناک ملاقات خواهد نمود» (ابن بابویه: ۱۳۷۶، ۴۳۰).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چهار چیز است که یکی از آنها به خانه ای درنیاید، مگر این که آن خانه ویران شود و روی برکت را نبیند: یکی از آنها خیانت می باشد». (ابن بابویه: ۱۳۷۶، ۳۹۸) و نیز فرمودند «کسی که امانتی را که در دست او است اهمیت ندهد و سهل‌انگاری کند تا از دست برود، پیرو ما نیست و از ما نیست کسی که نسبت به زن و مال مسلمانی خیانت ورزد» (مفید: ۱۴۱۳، ۱۴۸).

۵.۳. بی تفاوتی

یکی دیگر از آسیب‌های سبک زندگی اسلامی بی تفاوتی نسبت به نابسامانی‌های اخلاقی در جامعه است. بی تفاوتی در جامعه، به خصوص بی‌اعتنایی به نابسامانی‌های اخلاقی و بیگانگی نسبت به حوادث اجتماعی و سیاسی، از جمله مسائلی است که امروزه با پیشرفت جوامع و توسعه شهرها، گسترش یافته و بیش‌تر صحنه‌های زندگی مردم را تحت تأثیر خود قرار داده است. همچنین، تغییر سبک زندگی برخی از مردم در سایه تبلیغات فرهنگ غربی نیز به دامنه این عارضه اجتماعی - اخلاقی افزوده است.

«بی تفاوتی» از جمله آسیب‌های مهم در روابط انسانی و مانعی مهم در برابر سبک زندگی اسلامی است. زیرا در روابط افراد جامعه ضمن برهم زدن تعادل و هماهنگی و نظم جامعه، انواع ناهنجاری‌ها را به دنبال دارد و در صورت فراگیر شدن بی تفاوتی در جامعه، در هیچ کس توانایی و عزم برخورد با نابسامانی‌ها و دعوت به خوبی‌ها وجود نخواهد داشت و تمام افراد با بی‌خیالی و بی‌توجهی، فقط به منفعت و لذت شخصی خود می‌اندیشند و این همان خودمحوری و خودپرستی است که در دامن خود انواع تجاوزها، مظالم و سیئات

اخلاقی را پرورش خواهد داد.

اندیشمندان اسلامی موضوع بسیار مهم امر به معروف و نهی از منکر را با تعبیرهای گوناگون مورد توجه قرار داده اند که احساس مسئولیت و نوع دوستی موجب قوام و دوام تمام واجبات و ارزشهای انسانی و اسلامی است.

دین اسلام با توجه به همین هدف بزرگ، انسانها را به برادری و مواسات فراخوانده است و مؤمنان را برادر یکدیگر و افراد جامعه را اعضای یک بدن قلمداد نموده و فرموده است: «مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح [و آشتی] دهید و تقوای الهی پیشه کنید به امید اینکه که مشمول رحمت او شوید» (حجرات: ۱۰).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مؤمن برادر مؤمن است، همچون يك پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید دیگر اندامها آن درد را حس می کنند؛ و ارواح آنها از يك روح است.» (کلینی: ۱۴۰۷، ۱۶۶/۲).

مواسات، همدلی و همراهی با دیگران، از بهترین جلوه های اعمال نیک به شمار می رود برخاسته از فطرت انسانی است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام می فرمایند «برترین و سرور اعمال عبارتند از: حق دادن به مردم از طرف خودت (رعایت انصاف) و همدردی با برادر دینی ات در راه خدا و ذکر خدای عز و جل در هر حال» (کلینی: ۱۴۰۷، ۱۴۵/۲).

۴. زمینه های اقتصادی

۱.۴. سستی و تنبلی در کارها

یکی از صفات ناپسندی که در وجود انسانها ریشه می دواند، سستی و تنبلی کردن است که می تواند در تمام مراحل زندگی فردی و اجتماعی انسانها مانند امور عبادی، دینی، نظامی، تعاملات اجتماعی و... رسوخ کرده، فرد و جامعه را با بحران مواجه گرداند.

در قرآن از کسالت و تنبلی به خصوص در کارهای نیک و در راه عبادت خدا، به زشتی یاد شده و این صفت از ویژگی های منافقان برشمرده شده است. «منافقان می خواهند خدا را

فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می‌دهد و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با تنبلی برمی‌خیزند و در برابر مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند» (نساء: ۱۴۲) و در آیه ۵۴ توبه می‌فرماید: «هیچ چیز مانع قبول انفاق‌های آنها نشد، جز اینکه آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند، و نماز بجا نمی‌آورند جز با تنبلی، و انفاق نمی‌کنند مگر با اجبار» بر اساس آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام سستی و تنبلی در کارها نکوهیده است و در دعاهایی که از اهل بیت علیهم‌السلام معصومین علیهم‌السلام رسیده، از ما خواسته شده تا از شر آن به خدا پناه بریم (کلینی: ۱۴۰۷، ۵۸۶/۲). امام علی علیه‌السلام: «هر که تسلیم سستی و سهل‌انگاری گردد، حق خود و دیگران را تباه سازد» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۵۱۱).

از پیامدهای تنبلی و سستی ادا نکردن حق خداوند و برخی انسان‌هاست. پذیرش حق نیازمند ایستادگی و پایداری در راه آن است. بعضی از انسان‌ها گرچه دوست‌دار حق‌اند و میل به ادای وظیفه‌ی خویش در راه اجرای حق دارند، اما تن‌پروری و سستی مانع از انجام وظیفه می‌شود و همین امر سبب می‌گردد تا نتوانند وظایف خویش را در برابر خود و دیگران انجام دهند.

امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید، پدرم علیه‌السلام در سفارشی که به یکی از فرزندان داشت چنین فرمود: «از تنبلی و ملالت پرهیز، چه این دو، تو را از دست یافتن به بهره‌ات از دنیا و آخرت، باز می‌دارند» (کلینی: ۱۴۰۷، ۸۵/۵).

۲.۴. عدم استفاده مفید از ساعات عمر

فرصت‌ها، ساعت‌ها، روزها و ماه‌ها و سال‌ها بلکه دقیقه‌ها و ثانیه‌ها و لحظه‌ها و بهره‌گیری از آنها بزرگترین توفیقی است که نصیب انسان می‌شود، و او می‌تواند در پرتو آن به اهداف بزرگ برسد، وقت گوهر ناب و گران‌سنگی است که ارزش هیچ چیز را نمی‌توان با آن مقایسه کرد.

بیشتر انسان‌ها وقت را فدای مال و ثروت می‌کنند، و آن را وسیله ترقی مادی قرار می‌دهند، در حالی که مال و ثروت باید وسیله بهره‌مندی برتر از وقت قرار داد.

بر همین اساس پیامبر ﷺ به ابوذر سفارش می کند «در مورد حفظ عمر خود بخیل تر از پول و ثروت خود باش.» (طوسی: ۱۴۱۴، ۵۲۷).

چگونگی استفاده بهینه از وقت و فرصت ها به این گونه است که انسان با برنامه ریزی صحیح، کارهای خود را بین ساعات شبانه روز تقسیم کند، و این گونه بهره مندی از فرصت های گرانبهای وقت موجب رشد و تعالی شده در دو جهان خواهد شد.

امام کاظم علیه السلام در باره تقسیم بندی اوقات فرموده است: «سعی کنید اوقات خود را به چهار قسمت تقسیم نمایید: زمانی برای مناجات با خدا و زمانی برای کسب و کار و زمانی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب هایتان را به شما گوشزد می کنند و در باطن خیرخواه شما هستند و زمانی برای بهره مندی از لذت های غیر حرام» ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴، ۴۰۹). پیامبر ﷺ به ابوذر فرمود: «پنج چیز را قبل از فرارسیدن پنج چیز دیگر غنیمت بشمار؛ زندگی قبل از مرگ، سلامتی قبل از بیماری، فراغت قبل از اشتغال، جوانی قبل از پیری، و بی نیازی را قبل از تهی دستی» (طوسی: ۱۴۱۴، ۵۲۶).

۳.۴. کسب مال حرام

خداوند در قرآن مردم را از آلوده شدن به مال حرام نهی می کند، مانند آیه ۱۰ سوره نساء که می فرماید «بی تردید کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند، فقط در شکم خود آتش می خورند و به زودی در آتش فروزان در آیند.» همچنین آیات ۲۹ و ۳۰ سوره نساء «ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آن که تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد و خودکشی نکنید؛ زیرا خدا همواره به شما مهربان است. و هر که خوردن مال به باطل و قتل نفس را از روی تجاوز [از حدود خدا] و ستم [بر خود و دیگران] مرتکب شود، به زودی او را در آتشی [آزار دهنده و سوزان] درآوریم؛ و این کار بر خدا آسان است.»

پیامبر اسلام ﷺ در باره مال حرام می فرماید: «چهار چیز است که هر یک از آن ها وارد خانه ای شود آن خانه خراب می شود و آباد به برکت نگردد: خیانت، مال دزدی، شرب خمر، زنا»

(ابن بابویه: ۱۳۷۶، ۳۹۸).

نبی اکرم ﷺ فرمود: «هرکس به اندازه یک وجب از زمین به همسایه خیانت کند، خداوند همان مقدار را از آخر زمین‌های هفت‌گانه، هم‌چون حلقه به گردش اندازد، تا خدا را به همان صورت در قیامت ملاقات کند، مگر توبه کند و مال مردم را به صاحبش برگرداند» (ابن بابویه: ۱۳۷۶، ۴۲۷).

۴.۴. رشوه خواری

رشوه خواری یک پدیده ناهنجار و آسیبی جدی در روابط انسان‌هاست که موجب اختلاط و آمیختگی حق و باطل و حلال و حرام می‌گردد

خداوند در آیه ۴۲ مائده کسب مال از راه رشوه را حرام و ننگ آور دانسته و با نام بردن این مال به سحت، از ننگ و پلیدی آن یاد کرده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «سُحْتُ أَنْوَاعٍ زِيَادِي دَارِدٌ، مِنْ جَمَلَةِ رِشْوَةٍ فِي قِضَاوَاتٍ كَمَا أَنَّ كُفْرًا بِخُدَاوَانِدِ بَزْرُغٍ اسْت» (کلینی: ۱۴۰۷، ۵/۱۲۷). امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «سزوار نیست [شخص] بخیل بر ناموس، جان، غنیمتها و احکام مسلمانان ولایت یابد و امامت آنان را عهده دار شود... و سزوار نیست کسی که در حکم رشوه می‌گیرد، بر مسلمانان ولایت یابد؛ زیرا حقوق را پایمال می‌کند و آن را چنان که باید به صاحب حق نمی‌رساند.» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۱۸۹).

گاهی رشوه در لابلای عبارت و عناوین زیبا و فریبنده دیگر است و نام هدیه، حق الزحمه، انعام و مانند آن به خود می‌گیرد، ولی این تغییر نام‌ها به هیچ وجه موجب تغییر در ماهیت آن نمی‌شود و پولی که از طریق رشوه به هر نام گرفته شود، حرام و نامشروع است.

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود «خداوند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه میان آن دو را از رحمت خود دور گردانیده است.»^۱

و نیز در باره آثار رشوه خواری می‌فرماید: «جامعه‌ای که در آن جامعه رباخواری و رشوه خواری

۱.. «عن رسول الله ﷺ «لعن الله الراشي والمُرْتَشِي وَمَنْ بَيَّتَهَا يَمْشِي» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰،

حاکم باشد آن جامعه را قحطی و ترس فرا خواهد گرفت.» (پاینده: ۷۱۱).

۵.۴. رباخواری

ربا در لغت به معنی افزون شدن و فراتر شدن است (راغب اصفهانی: ۱۴۱۰، ۳۴۰) و در اصطلاح ربا عبارت است از افزوده‌ای که افراد از وام‌دار خود می‌گیرند و یا در معامله در شرایطی خاص، دریافت می‌دارند (مکارم شیرازی و همکاران: ۱۳۷۴، ۱۶/۴۴۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «به راستی خوف ناک ترین چیزی که بر امتم پس از خودم از آن ترس دارم، درآمدهای حرام، و شهوت پنهان، و ربا» (کلینی: ۱۴۰۷، ۵/۱۲۴).

حرام بودن ربا به این علت است که ربا اکل مال به باطل است، اکل مال به باطل، به این معناست که کسی بدون راه عقلی و منطقی درآمندی به دست آورد مانند درآمد از راه قماربازی و یا شراب‌فروشی، از این رو خداوند در این باره حرمت ربا فرموده است «پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه (مردم را) بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود، حرام گردانیدیم، و (به سبب) ربا گرفتنشان با آنکه از آن نهی شده بودند، و به ناروا مال مردم خوردنشان و ما برای کافران آنان غذایی در دنیا آماده کرده‌ایم» (نساء: ۱۶۰-۱۶۱).

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام سماعه روایت می‌کند، به حضرت گفتم: خداوند متعال بحث (حرام بودن) ربا را در قرآن مکرر بیان نموده است. حضرت فرمود: آیا علتش را می‌دانی؟ عرض کردم: خیر. فرمود: چون ربا مانع کمک به دیگران و انجام کارهای خیر (در جامعه) می‌گردد» (کلینی: ۱۴۰۷، ۵/۱۴۶).

۶.۴. اسراف و مصرف‌گرایی

یکی از آسیب‌های مهم سبک زندگی اسلامی اسراف و زیاده روی در مصرف است که پیامدهای منفی، چه در بُعد اقتصادی و چه در بُعد اخلاقی بر جای می‌گذارد. اسراف، به معنای تجاوز از حد در هرکاری است که انسان انجام می‌دهد. (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲، ۴۰۷). برخی مفسران گفته‌اند: اسراف هرگونه تجاوز از حد اعتدال و گرایش به افراط یا تفریط

را در برمی‌گیرد (طبرسی: ۱۳۷۲، ۵ / ۱۹۲). خداوند در آیه ۲۷ اسراء تبذیرکنندگان (مصرفان) را برادران شیاطین نامیده است؛ مراد از برادری با شیاطین همراهی و تبعیت در عقیده و عمل می‌باشد (طباطبایی: ۱۴۱۷، ۱۳ / ۸۲)

اسراف، مفهومی فراگیر بوده، شامل هرگونه انحراف (اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و...) می‌شود (راغب اصفهانی: ۱۴۱، ۴۰۷) اما تبذیر، بیشتر در امور مالی و اقتصادی (همان)، و به ندرت در موارد دیگر به کار می‌رود.

در قرآن مصادیق متعددی برای اسراف بیان شده است، از جمله خوردن و آشامیدن (اعراف: ۳)، انفاق و بذل و بخشش (اسراء: ۲۹)، و قصاص و انتقام‌گیری (اسراء: ۳۳). همچنین در برخی آیات قرآن از گمراهی اسراف کاران سخن گفته است (غافر: ۲۸ و ۳۴).

خداوند در آیه ۳۱ اعراف / ۷ پس از جواز استفاده از خوردنیها و آشامیدنیهای پاک و پاکیزه از اسراف نهی می‌کند «... کُلُوا وَاشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».

امام صادق علیه السلام کسی را که برای مصرف بیش از درآمد خود، دست نیاز به سوی دیگران دراز کند را مسرف خوانده است (عیاشی: ۱۳۸۰، ق ۲، ۱۳). مصرف بیش از حد و افزون بر نیاز نیز از مصادیق اسراف برشمرده شده است (سیوطی: ۱۴۰۴، ۳ / ۸۰).

امام صادق علیه السلام در مورد اسراف به اصحاب می‌فرماید: «کمترین حد اسراف این است که لباسی را که بیرون خانه برای حفظ آبرو می‌پوشی در داخل خانه نیز بپوشی یا باقیمانده آب و غذا را که در ظرف می‌ماند دور بریزی و یا خرما را خورده و هسته آن را دور اندازی» (کلینی: ۱۴۰۷، ۴ / ۵۶).

۵. زمینه های نفسانی و جنسی

۱.۵. تبعیت از تمایلات جنسی

تمایلات انسان به مادیات و امور دنیوی یکی از مهم ترین زمینه های گرایش انسان به فساد اخلاقی می باشد، در این میان تمایلات جنسی از میان شهوات دیگر درونی، قوی تر و آسیب رسان تر است. از این رو یوسف علیه السلام شهوت جنسی را از عوامل آسیب زننده به پاک

دامنی انسان بر می شمارد و با خداوند چنین سخن می گوید: «پروردگارا: زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می خوانند، و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، بسوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود» (یوسف: ۳۳). همچنین خداوند در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره نور رفتارهای تحریک آمیز زنان را آفت حیا و عفت معرفی می کند و از زنان می خواهد با توجه به تاثیرپذیری شدید مردان از حرکات و رفتارهای آنها نه تنها حجاب خویش را حفظ کنند بلکه هرگونه عوامل تحریک زا از جمله مواضع زینت خویش و زینت های خود را آشکار نسازند (نور: ۳۰-۳۱).

۲.۵. آزادی های جنسی

همانگونه که تمایلات جنسی و رفتارهای تحریک آمیز زنان می تواند آسیب جدی برای سبک زندگی اسلامی و سلامت اخلاقی جامعه باشد وارد سازد، بی گمان نقش هوسرانان در این باره نیز مهم می باشد. و یکی از مهم ترین زمینه های تباهی اخلاقی جامعه، هوسرانی هوس بازان می باشد. خداوند در آیه ۲۷ سوره نساء به تحلیل آزادی جنسی می پردازد و بیان می کند که «هوسبازان بی بند و بار، به چیزی جز غرق شدن شما در شهوات، قانع نمی شوند و می خواهند شما رفیق راهشان باشید» و اینکه یکی از آسیب های سبک زندگی اسلامی هوسرانی و آزادی جنسی می باشد.

۵-۳. اباحی گری و عدم التزام به دوری از محرمات

یکی از مسائلی که در سبک زندگی اسلامی قابل توجه است، اهمیت حدود دادن به ضوابط شرعی و کوشش در انجام دقیق و کامل فرامین الهی است. گاهی انسان به دلیل تبعیت از غرائز نفسانی و میل به آزادی های فردی و اجتماعی به حدود شکنی پرداخته و با مباح یا جایز شمردن کارهای حرام است به خود حق می دهد که نسبت به حدود و ضوابط شرعی بی اعتنا شده و مرزهای حلال و حرام را زیر پا گذارد، به این گونه اعمال خلاف شرع «اباحی گری» گفته می شود.

اباحی‌گری مهم‌ترین و شایع‌ترین خطری است که جامعه اسلامی در معرض آن قرار دارد. و تبلیغات گسترده و دسیسه‌های مستمر دشمنان فرهنگی، در بسط و گسترش این پدیده نقش جدی دارند.

از این رو یکی از مسائل مهم در سبک زندگی اسلامی «حدود پذیری» انسان است. به معنای تبعیت کردن از احکام و مقرراتی که شارع در تنظیم روابط فردی و اجتماعی انسان برای سعادت و کمال انسان مقرر کرده و پیامبران الهی نیز مأمور ابلاغ آن به انسان بوده‌اند. از این رو قرآن بر احترام به «حدود الهی» و پاسداری از آن تأکید فراوان داشته است و در بسیاری از موارد پس از ذکر یک حکم شرعی به «حدود خدایی» بودن آن تأکید می‌کند (بقره: ۲۲۹). حدود الهی که در قرآن بیان شده یاد شده اختصاص به مسائل و احکام شرعی ندارد؛ بلکه شامل مسائل اخلاقی مانند فضائلی را که لازم است، انسان به آن آراسته شود یا ردائلی را که باید از آن اجتناب گردد، نیز می‌گردد.

راه کارهای پیشگیری از آسیب‌ها

بر اساس بیانیه گام دوم موضوع «معنویت و اخلاق» و برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: خداباوری، معادباوری، عبادات مانند نماز و تقوا و سایر امور معنوی دیگر می‌توان به عنوان راهکار پیشگیری از آسیب‌های زندگی معرفی کرد.

۱. خدا باوری

ایمان به خدا یعنی ایمان ما به توحید و یکتاپرستی باعث می‌شود انسانی که می‌داند خداوند ناظر اعمال و رفتار اوست خیلی تلاش می‌کند تا کاملاً رضایت خانواده‌اش را با انجام دادن وظایف و رعایت حقوق آنها امکان پذیر سازد.

هدف همه انسان‌ها این است که به کمال و سعادت برسند و این جز در گرو برخورداری از آرامش میسر نخواهد شد. آرامش نیز در گرو ایمان به خداوند است (رعد: ۲۸).

از آنجا که ما اعتقاد داریم خداوند در زندگی انسان‌ها تأثیر دارد از این رو همه هستی ما و

همه آنچه که ما در پیرامون خود می بینیم، اینها مخلوقات الهی هستند، اینها فیض مستمر الهی هستند که یک لحظه هم اگر این فیض قطع شود، نه ما خواهیم بود و نه آنچه که پیرامون ما وجود دارد. بر این اساس به اندازه ای که ایمان به خدا هست این در رفتار ما تأثیر می گذارد؛ یعنی در واقع بین علم، ایمان و رفتار یک تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد و به اندازه ای که من به خدا ایمان دارم به همان اندازه در رفتارهای من تأثیر و تأثر پیدا می کند اگر ما واقعاً خدا را مصدر همه چیز ببینیم آن موقع رفتار ما با دیگران، با کسی که چنین نمی بیند متفاوت می شود.

۲. معاد باوری

سبک زندگی هر کسی متأثر از فلسفه زندگی اوست؛ زیرا نگرش هر کسی به هستی تعیین کننده اهداف زندگی است، از این رو، سبک زندگی هر شخصی با توجه به اهداف، متفاوت از دیگری خواهد بود.

پذیرش و انکار آخرت و معاد تأثیر مستقیمی بر سبک زندگی شخص می گذارد؛ زیرا کسی که قیامت و معادی را باور ندارد، پاسخگویی رفتار و گفتار و کردار خویش نخواهد بود و اگر توان و قدرت داشته باشد قوانین را کنار می نهد و بر خلاف آن عمل می کند؛ زیرا ترسی از مجازات و بازخواست ندارد؛ اما کسی که به قیامت باور دارد، سبک زندگی قانون محوری را انتخاب می کند که تأمین کننده آخرت او باشد. از نظر قرآن، مهم ترین فلسفه و هدفی که خدا برای آخرت قرار داده، بازخواست و کیفر و پاداش نسبت به اعمالی است که انسان در دنیا مرتکب شده است. کسانی که در زندگی به آخرت و معاد ایمان و باور دارند، سبک زندگی آنان به گونه ای است که آثار آن در همین زندگی دنیوی نیز دیده می شود.

برخی از آثار ایمان به معاد در زندگی را می توان در موارد زیر برشمرد: رعایت عدالت و اخلاص در دین است. کسانی که به معاد ایمان داشته باشند، در مسیر عدالت گام برمی دارند و حق و حقوق دیگران را تضییع نمی کنند؛ زیرا باور به قیامت آنان را به پایبندی خالصانه و مخلصانه به این اصول ملزم و متعهد می سازد (اعراف: ۲۹). باور و ایمان به معاد

موجب می شود تا شخص نسبت به حق استقامت ورزد و از اصول آن کوتاه نیاید، حتی اگر تحت شکنجه های فرعون و عذاب های سخت دنیوی قرار گیرد (شعراء: ۴۶ - ۵۰). همچنین ایمان به معاد، برانگیزاننده آدمی به انفاق و کمک های مالی به دیگران و نیازمندان است (بقره: ۲۴۵) و مانع تجاوز و سرکشی در زمین از سوی انسان می شود (یونس: ۲۳). اثر ایمان به معاد در امور اقتصادی، مانع کم فروشی افراد در معاملات می شود؛ زیرا از مصادیق بی عدالتی و ظلم در حق دیگران است (مطففین: ۱ - ۵) همچنین ایمان به معاد، زمینه ساز صبر و شکیبایی انسان در سختی ها و ناملازمات می شود (غافر: ۷۷).

همچنین تزکیه و اصلاح خویشتن، برخاسته از ایمان به معاد است. کسانی به خودسازی می پردازند که به معاد ایمان داشته باشند و بخواهند مسیر کمالی را پیمایند (فاطر: ۱۸). کسانی که سبک زندگی شان بر اساس معادباوری است، درخواست هایی که دارند در ارتباط با حسنات دنیا و آخرت است؛ در حالی که کافرین سبک زندگی و درخواست های خویش را محدود به دنیا و نیکی های آن می کنند که بسیار زودگذر است خداوند در آیات ۲۰۰ - ۲۰۲ بقره آنان را چنین توصیف می کند «از مردم کسی است که می گوید پروردگارا به ما در همین دنیا نیکی عطا کن و حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست؛ و برخی از آنان می گویند پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور نگه دار؛ آنانند که از دستاوردشان بهره ای خواهند داشت و خدا زودشمار است».

۳. نماز

نماز یکی از ارکان دین است که قبولی آن برابر با قبولی سایر اعمال است؛ این تأکید به خاطر اهمیت نماز در زندگی دنیوی و اخروی است. بر اساس آموزه های اسلامی نماز به تمامی جوانب زندگی انسان سمت و سو می دهد و آن را در مسیر کمال و سعادت رهنمون می سازد؛ بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام نمازی می تواند مطلوب و مؤثر باشد که دارای مؤلفه هایی مانند اول وقت بودن، حضور قلب داشتن باشد. این مؤلفه ها، تأثیرات عمیقی در سبک زندگی فردی و اجتماعی دارند. سبک زندگی اسلامی مشتمل بر بایدها و نبایدها و

راهکارهایی است که در زندگی نمود پیدا می کنند. نماز با داشتن شرایط و آداب، زندگی فردی و اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار می دهد که غایت آن تعالی فردی و اجتماعی است. نماز در بعد فردی با ارائه شاخص هایی مانند ایجاد آرامش در انسان، تقویت امید و نشاط در زندگی و منع ناامیدی، تقویت ارتباط بین خدا و انسان، توکل و اعتماد به خدا و تقویت صبر و استقامت در برابر مشکلات ضمن تأثیرات والا در زندگی فردی، زندگی اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

بر اساس آموزه های اهل بیت علیهم السلام نماز مانع از فساد و تباهی فرد و جامعه می شود، همچنان که تقارن نماز با زکات این مهم را به دنبال دارد که نمازگزاران با پرداخت زکات و کمک به اقشار کم درآمد جامعه مانع محکمی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی و اقتصادی در جامعه شوند.

۴. تقوا

خداوند در آیات قرآن انسان را از انجام حرام ها نهی و به انجام واجبات امر می کنند. و هدف اصلی قصص قرآنی، آیات معاد، نقل نعمتهای اخروی و عذابه های جهنم، اندازها و تبشیرها، تشویق و ترغیب مؤمنین به رعایت تقوا - که همان انجام واجبات و ترک محرمات است.

تقوا در لغت از ماده «وقایه» و به معنی خودنگه داری و خویشتن داری و در اصطلاح دینی، خویشتن داری در مقابل انجام گناهان و ترک واجبات است (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲، ۸۸۱) بر این اساس اولویت اصلی برای سبک زندگی اسلامی، انجام واجبات و ترک محرمات است.

قرآن کریم نیز رعایت «تقوای الهی» در زندگی را از مهم ترین ارکان زندگی قرار داده و فرموده است: «خداوند تنها از متقین می پذیرد.» (مائده: ۲۷) بنابراین در سبک زندگی اسلامی، شرط قبولی اعمال و رفتار انسان در آخرت، رعایت تقواست. از منظر قرآن کریم، گرمی ترین مؤمنان نزد خدا، باتقواترین آنها هستند: «با کرامت ترین شما، همانا باتقواترین شما است»

(حجرات: ۱۳).

امیر المؤمنین علی علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام می نویسد: «بدان پسر من تو برای آخرت آفریده شده ای، نه برای دنیا؛ و برای رفتن از دنیا، نه برای پایدار ماندن در آن. در منزلی هستی که باید از آن کوچ کنی، و جایی که از آن به جای دیگر برسی، و تو در راه آخرتی» (ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴، ۷۶).

بر این اساس سبک زندگی اسلامی، توجه دادن به آخرت است و هدف از این سبک زندگی، بهشت و رضوان الهی می باشد. برنامه عملی رسیدن به آن هدف انجام واجبات و ترک محرمات است، چراکه خداوند، تنها وارثان بهشت را اهل تقوا معرفی می کند: «این همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند، به میراث می دهیم» (مریم: ۶۳) همچنین در سوره شعراء آیه ۹۹ فرموده است: «بهشت برای اهل تقوا آماده شده است»

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «من شما را به تقوای الهی سفارش می کنم... پس اطاعت خدا را... بر تمام امورتان حاکم گردانید» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۳۱۳) همچنین حضرت چنین پیشبینی کرده اند «شما را به تقوای الهی سفارش می کنم... چقدر کم اند کسانی که تقوا را می پذیرند و به حق به آن عمل می کنند. آنها تعدادشان بسیار کم است» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۲۸۴)

نتیجه گیری

یکی از مهمترین و راهبردی ترین کلیدواژه هایی که مقام معظم رهبری بارها در سخنرانی های خود به کار برده و بر آن تأکید داشته اند، موضوع «سبک زندگی اسلامی» است. ایشان معتقدند: آن تمدن نوین اسلامی که ما به دنبال هستیم و انقلاب اسلامی نیز می خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون دستیابی به «سبک زندگی اسلامی» و دوری از سبک زندگی غربی تحقق پیدا نخواهد کرد.

نکته حائز اهمیت آن است که طرح موضوع آسیب شناسی و اصلاح سبک زندگی از سوی مقام معظم رهبری با رویکرد فردی و اجتماعی مطرح شده است از این رو باید این موضوع را

به عنوان یک مسئله فردی و اجتماعی مورد توجه و تحلیل قرار داد. با این وصف از آنجایی که پدیده های اجتماعی در ارتباط مستقیم با ابعاد مختلف هستند بدون ملاحظه مؤلفه های سبک زندگی که بیشتر شامل ویژگی های رشدی و شخصیتی آحاد مردم جامعه می شود، نمی توان به درک جامعی با رویکرد فرهنگی و اجتماعی از سبک زندگی رسید.

این مقاله شامل ۵ عنوان است که به زمینه های آسیب های سبک زندگی اسلامی می پردازد. عنوان اول: زمینه های فرهنگی: شامل تقلید از بیگانه، قانون گریزی و زمینه های قانون گریزی، خرافه گرایی می باشد. عنوان دوم: زمینه های اخلاقی است که در انحرافات از سبک زندگی اسلامی نقش اساسی دارد که برخی از آنها مانند تملق و چاپلوسی، دروغ گویی مطرح شده است.

عنوان سوم: زمینه های رفتاری است که می توان آنها را از آسیب های جدی سبک زندگی اسلامی برشمارد مانند: رفاه طلبی، پیمان شکنی، خیانت و بی تفاوتی نسبت به مسائل جامعه.

عنوان چهارم: موضوعات اقتصادی است که آسیب های جدی در جامعه ایجاد می کند مانند: کسب در آمد حرام، رشوه خواری، رباخواری و تنبلی و سستی که آسیب های جبران ناپذیری در جامعه ایجاد می کند.

عنوان پنجم: موضوعات جنسی است که زمینه آسیب به زندگی اسلامی ایجاد می کند مانند: تبعیت از تمایلات جنسی، آزادی های جنسی و اباحی گری.

در پایان مقاله با توجه به یکی از محورهای بیانیه «معنویت و اخلاق به برخی راهکارها مانند: خدا باوری، معاد باوری، نماز و تقوای الهی برای پیشگیری از آسیب های سبک زندگی و مقابله با سبک زندگی غربی می پردازد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی؛ دعائم الإسلام؛ قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۳۸۵ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- پاینده، ابو القاسم؛ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)؛ تهران: دنیای دانش،
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی؛ قم: دارالکتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تحقیق: صفوان عدنان داودی؛ دمشق: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
- شریفی، احمد حسین، همیشه بهار، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۹.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو مکان چاپ: تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۲
- طوسی، محمد بن الحسن؛ الأمالی؛ محقق / مصحح: مؤسسة البعثة؛ قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- عیاشی محمد بن مسعود، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، کتاب التفسیر، ناشر: چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
- کاوایی، محمد، سبک زندگی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- کراجکی، محمد بن علی؛ کنز الفوائد؛ قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بحار الأنوار، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم: ۱۴۰۳ ق.

معین محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.

مفید، محمد بن محمد؛ الإختصاص؛ محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود؛ قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشيخ المفید، ۱۴۱۳ ق.

مفید، محمد بن محمد؛ الأمالی؛ محقق / مصحح: استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

مکارم شیرازی و همکاران، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.

محمد سعید مهدوی کنی، محمد سعید؛ دین و سبک زندگی، تهران؛ دانشگاه امام صادق؛ ۱۳۸۷.